

بستر چهارم طلاقی

۱۰ - قمار

قمار در معنای محدود و خاص کلمه، عملی است که افراد انسانی به کمک وسایل معین با شرایط و قرارهای قبلی پذیرفته شده، جزئی از وجوه نقدی و یا اموال خود را به منظور کسب مالی بیشتر به مخاطره می اندازند؛ گاه ممکن است قمارباز تمام وجوه نقدی و اموال خود را برای به دست آوردن مالی برابر با آن بر سر شرط بندی در معرض خطر قرار دهد. در معنای وسیع کلمه، قمار هر نوع عمل و اقدام مخاطره آمیزی است که نتیجه قطعی آن از پیش معین نباشد و احتمال حصول منافع مادی یا معنوی و یا به عکس بر باد دادن مساعی و سرمایه مادی در آن رود؛ انتخاب شغل، تحصیل، ازدواج، تجارت، بیمه، مسافرت، درمان، شرکت در مبارزات انتخاباتی که بدون محاسبه و ارزشیابی کامل و پیش بینی حوادث، چشم بسته صورت میگیرد نوعی قمار است.

بازیهای تیرا که در آن مهارت علمی و فنی و آمادگی بدن و کیاست و فراست و ممارست شرایط پیروزی است نمیتوان از قمار محرم شمرد خاصه آنکه در این بازیها و مسابقات

رشد استعدادها و تربیت روح و جسم در نظر است از آنجمله است بولینگ، بیلیارد و کلیه بازیهای میدانی مانند فوتبال، والیبال، بسکتبال، گلف، اسب دوانی، شتا، دو، تیر - اندازی و امثال آن.

قماربازی نشانی وجود آشفتگیهای روانی است. قمارباز یک انسان بیمارگونه ای است که از شخصیت متعادل برخوردار نیست. قمارباز علائق و تمایلات انسانی را از دست میدهد و جز بردویاخت هیچ چیز در سر ندارد. بسیاری قماربازان کوتاه بین و خرافاتی هستند. زمان، مکان، اشخاص، حرکات و کلمات را در شانس آوردن یا در باختن مؤثر میدانند.

قماربازان ظاهراً برای بردن و کسب ثروت و تهی کردن جیب رقیبان به بازی می نشینند ولی در باطن وی به طور ناخود آگاه برای تهی کردن جیب خود و کسب لذت از راه رنج بردن در باختن دست به چنین کاری میزند تا هنگامیکه میبرد. آرامش ندارد و نمیتواند از بازی دست بردارد ولی همیشه تا دینار آخر دارائی خود را باخت آرام میگیرد.

قماربازی معلول علت واحدی نیست. طبقات و افراد مختلف: مردان، زنان، نوبالغان،

جوانان، سالمندان، ثروتمندان، سیاست‌پیشگان، بازرگانان، پیشه‌وران، شهریان، روستائیان تحت تأثیر انگیزه‌ها و عوامل مختلف و خصوصیات روانی و اوضاع و احوال زندگی و محیط اجتماعی آلوده قمار می‌گردند.

شاید بتوان قمار را ثمره تن‌آسایی و تحصیل‌گنج بدون رنج دانست. قمارباز نمونه بارز انسان اقتصادی است و سیخواهد در حداقل زمان و با حداقل کوشش حداکثر ستافع را به دست آورد.

آیا قمار نتیجه تمایلات تجاوزگرانه و مبارزه‌طلبی است؟ قدرت‌نمایی و عظمت‌خواهی هم انگیزه‌ای برای قماربازی است.

قمار ثمره احساس‌گناه و وجدان‌آلوده و عناد به خود یا کيفرطلبی از طریق باخت به

دیگران است. قماربازی وجهی از واکنش تمایلات مازوشیسم است. قمارباز با باخت خود به حریف از نهاد خویش انتقام می‌گیرد و بدین ترتیب کفاره عصیانگری اورا می‌پردازد. قمارباز ممکنست دچار عقده ادیپ باشد چون در کشتن پدر خویشتن توفیق نیافته و تمایلات ادیبی وی با شکست مواجه گردیده است به ناچار تغییر سمت داده متوجه خویشتن میشود و خودرا در باخت می‌آزارد. قمارباز ظاهراً برای برد بسوی قمارکشانده میشود ولی ناخودآگاه اورا بدین کار ترغیب مینماید تا با پرداخت کفاره از راه باخت کسب آرامش کند و تعادل روانی خودرا به دست آورد.

بعضی خودرا می‌فریبند و قماربازی را یک نوع سرگرمی و تفریح و تنوع و گذران



اوقات فراغت تلقی میکنند و نمیدانند که به تدریج به سوی یک عادت و یک بیماری مزمن کشانده میشوند.

قمارباز ممکنست تجلی روحیه ماجراجویی یا واقعه طلبی باشد. قمارباز دارائی خود را به خطر می اندازد و فردی است که به استقبال خطر میرود. قمارباز شخصی است بی پروا، بی بهره از دوراندیشی، خودخواه و بی عاطفه و آرزند.

عقده بزرگ پنداری نیز ممکنست موجبی برای گرایش به قماربازی باشد. کودک ناز پرورده که هرآنچه خواسته در اختیارش نهاده اند خود را فرمانروای مطلق پنداشته و حس خودخواهی او فوق العاده اتناع شده است به هنگام بلوغ با مشکلاتی روبرو میشود خیلی زود درسیابد که دارای قدرت مطلق نیست و تمام آرزوهایش به سهولت دوران کودکی برآوردنی نیست و آنچه را میخواهد به آسانی و بدون مانع به دست نماید به قمار رویآورد زیرا چنین می پندارد که با این عمل میتواند موانع را از سر راه بردارد و بدون هیچ کوششی آنچه را میخواهد با بزرگ برنده به دست آورد و احساس قدرت مطلق دوران کودکی را درخود زنده سازد به این ترتیب قمار جویگویی عقده بزرگ پنداری و قدرت مطلقه تواند بود.

گروهی از ثروتمندان از آن رو به قمار رویآوردند که یک نوع نبرد یا فعالیت جدال-آمیز در زندگی آرام و آسوده و ساکت خود پدید آرند.

گروهی قماربازی را عشق به پول دوستی و ثروت خواهی میدانند و لاغیر. ولی گروهی نه به خاطر پول دست به قمار میزنند بلکه به خاطر نفس عمل بدان اعتیاد پیدا میکنند از نشاط و هیجانی که در بازی ازبرد

و باخت برای آنان به وجود میآید لذت میبرند.

قماربازی مخالف با نظام اجتماعی است زیرا اشخاص را از سعی و کوشش و اشتغال به کار تولیدی، تفکر، سازندگی، تعاون، احسان بازداشته به حصول گنج بدون رنج امیدوار میسازد ماجراها می آفریند که ماده ۲۵۴ قانون مدنی ایران خط بطلان برآن میکشد: وقمار و گرویندی باطل و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود.

قمارباز نسبت به سرنوشت خود و خانواده اش بی اعتناست عنایتی به تربیت فرزندان خود ندارد برای ارضای تمایلات خود آنانرا به حال خویش وامیگذارد.

قمار یک عامل جرم زما و یک مشکل دهرهای اجتماعی و یک پدیده پیچیده روانی و یک وسیله وسوسه گر برای گذراندن اوقات فراغت و عامل مخرب اقتصادی و ویرانگر خانواده ها و اجتماع است.

مستأفانه عده ای از زنان، همسانی و برابری خود را با مردان در صرف الکل و قماربازی یافته اند پایه پای اینگونه بیماران روانی خود را به قمار آلوده میسازند تا شور و هیجانی در زندگی یک نواخت خانوادگی خود به وجود آورند و احساس کمتری نسبت به مردان نمایند.

اعتیاد به قمار مانند اعتیاد به الکل و مواد مخدر برای خانواده و اجتماع خطرناک است. اعتیاد به آنها یک نوع بیماری شخصیت و اختلال روانی و ضعف اراده است. این دسته از بیماران شایستگی قبول مسؤلیت خانوادگی یا اجتماعی ندارند. قمارباز امین نیست. شوق به قمار موجب بروز جرائم سرقت، خیانت در امانت، اختلاس، ضرب و جرح، قتل است. باید

افزافه نمود چه بسیار از پاک باخته‌ها که حیات خود را نیز باخته‌اند و باخودکشی از این آفت رهیده‌اند .

قماربذرکینه و نفرت و دشمنی را دردل بازندگان می‌باشد دسته‌ای راعلیه دسته‌ای دیگر برمی‌انگیزاند . فرد باخته شخصیتی ناکام و شکست خورده دارد و دست به مکانیسم دفاعی جبران میزند متأسفانه وجوه مضر جبران را درپیش میگیرد رقیب را ازبسیان برمی‌دارد دست به آتش سوزی میزند .

آنکه برنده است آراسش ندارد طمع براوغالب میشود و برای به دست آوردن مال بیشتر از پانمی‌نشیند به علاوه سالی که دست آورده کار نباشد بادآورده محسوب میشود خیلی زود برباد می‌رود .

قمارباز فاقد ارزش اخلاقی و انسانی است زیرا پروا ندارد که قصد یغماگری مال و وجوه نقدینه دیگرانرا علنی و ظاهر سازد .

مقایسه قمار و دزدی - شباهت قماربازی
با دزدی در این است که درهر دو قصد تصرف مال دیگری دربین است هم قمارباز و هم دزد میخواهند مال دیگری را غارت کنند و به یغما برند . تفاوت آن دو در این است که دزد آزادی و جان خود را درخطر می‌اندازد و قمارباز سرمایه خود را دزد مخفیانه دست به دزدی میزند ولی قمارباز خیلی علنی برای نیل به مقصود دست خود را آلوده میکند . دزد به قبح عمل خود واقف است بنابراین آنرا در خفا و مزورانه انجام میدهد ولی قمارباز متوجه قبح عمل خود نیست و از این رهگذر با افرادی که دچار بیحسی اخلاقی هستند مشابهت دارد . درجرم سرقت فقط سارق مجرم است و صاحب مال

مسروقه قربانی جرم یا مجنی‌علیه خوانده میشود و حال آنکه درقمار علنی برنده و بازنده هر دو مجرم هستند . شکایت مربوط به سرقت پذیرفته و تعقیب میشود و مورد دادرسی قرار میگیرد و حال آنکه دعاوی قمار مسموع نیست .

مقایسه قمار و کلاهبرداری - شباهت
قماربازی به کلاهبرداری در این است که در هر دو فعل مجرمانه ، هم کلاهبردار و هم قمار باز قصد یغماگری و گرفتن مال دیگری را از دست صاحب مال دارند و هم قمارباز و هم کلاهبردار با قربانی خود مستقیماً روبه‌رو است و در هر دو جرم ، مال باخته خود وجوه یا اسوا ل خویشتن را در اختیار طرف قرار میدهد ولی وجه افتراق قمار و کلاهبرداری در این است که در کلاهبرداری فقط کلاهبردار مجرم است و کسی که گول خورده و مال خود را از دست داده قربانی جرم یا مجنی‌علیه خوانده میشود و حال آنکه در قماربازی ، برنده و بازنده هر دو مجرم و هر دو دارای سوء نیت و قصد مجرمانه هستند . شکایت شخصی فریب خورده و مال باخته علیه کلاهبردار در محاکم کیفری مسموع واقع میشود ولی دعاوی قمار باخته همانطور که اشاره شد مسموع نیست .

قمار به کلاهبرداری بیشتر شباهت دارد تا به دزدی . زیرا وجوه افتراق قماربازی و کلاهبرداری کمتر از وجوه افتراق آن با دزدی است .

مقایسه قمار و فحشاء - قماربازی و فحشاء
نیز بایکدیگر شباهت دارند . زیرا غایت هر دو کسب مال از طریق نامشروع است فاحشه به وسیله ناموس خود مال دیگرانرا به یغما میبرد و قمارباز با وسائل گوناگون، ولی فاحشه همیشه مالی به دست می‌آورد ، ولی قمارباز



تجویز شده است آنکه از مقام انسانی رو برتافته ، تبعیت شیطانی را پذیرفته، نمیتواند حافظ حیثیت و شؤون خانواده باشد به همین مناسبت بند ۳ ماده ۱۱ قانون حمایت

خانواده مصوب پانزدهم خردادماه ۱۳۴۶ به زن یا شوهر اجازه داده است که در صورت «ابتلاء به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانواده خلل وارد آورد و اداسه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد» از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم اسکان سازش کند .

اتفاقاً اعتیاد به قمار از اعتیادهای زیان آور و زیان بخش است . قمارباز حاصل دسترنج خود را به جای آنکه صرف بهبود و ترفیه حال اعضای خانواده بنماید و نیاز مادی

اسکان دارد دارائی خود را از دست بدهد . تأسیس قاشه‌خانه و قمارخانه هردو جرم است (بند ۳ ماده ۲۱۱ - ماده ۲۴۳ قانون مجازات عمومی)

مقایسه قمار و میگساری - وجه اشتراک
 قماربازی و میگساری در این است که هردو ثمره عناد به خود و هردو نتیجه عقده ادیب و در هردو عقده حقارت بروز دارد و هردو از اسباب کینه و بغض و دشمنی است . قمار ایجاد کینه میکند و مال باخته را دشمن برنده بسازد به همین مناسبت قرآن کریم خمر و قمار را در کنار بت پرستی گردآورده و آنها عمل شیطانی یعنی غیر انسانی خوانده است . (آیات ۹۲ و ۹۳ سوره مائده)

پیوند مقدس زناشویی برای انسانها



حمایت خانواده در برابر شکایت یکی از زوجین به مناسبت اعتیاد به قمار از روانکاوان و روانپزشکان هم‌مهدد جویند و به درمان این بیماران همت‌گمارند .

اگر دوات درهرشهری برای خانواده‌های کارمندان خود باشگاهی تأسیس نماید و در آن انواع وسایل رفاهی و سرگرمیهای آموخته و دانشین فراهم آورد که هرکس رایارای آن باشد که با هزینه‌ای اندک در آن شرکت جوید و به تناسب ذوق و استعداد خویش بتواند از اوقات فراغت خود به بهترین وجهی برای رشد استعدادهای علمی ، ادبی ، هنری بهره‌برداری نماید» سود آن عاید جامعه ایرانی و موجب اعتلای سطح فرهنگ خانواده‌ها خواهد شد . اگر تعداد کارکنان دولت در شهرستانها پانصد هزار نفر فرض شود دیگر پانصد هزار خانواده ایرانی ناگزیر نخواهند شد شب‌نشینی‌ها و دوره‌های بی‌تناسب درخانه‌های یکدیگر برای باده‌گساری ، قماربازی . . . تشکیل دهند که بالمال عواقب شوم آن دامنگیر خود و جامعه ایرانی گردد .

دومین قسمت در شماره آینده

آنرا برآورد همه آنرا در راه قمار میبازد . قمارباز به جای آنکه اوقات خود را صرف تعلیم و تربیت فرزندان خویش بنماید مستغرق در قمار و در اندیشه‌های پریشان خود فرو رفته است و از خانواده و خانه خویش بیخبر . قمارباز به جای آنکه فضای لطف و محبت و صفا و یکرنگی و خلوص را در خانه و در میان اعضای خانواده خویش ایجاد نماید ، تمام اوقات فراغت و حتی ساعت‌های متمادی و شیرۀ خواب خویش را در قمارخانه و در میان قمار-بازان و گرگ صفتان میگذراند و به این ترتیب به اساس خانواده خلل وارد می‌آورد و همسر و فرزندان خود را از لطف و محبت خویش محروم میسازد ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن میگرداند حتی شایستگی پدری را از دست میدهد .

چه باید کرد ؟ باید با علل مبارزه کرد ، تنها کفیر آنهم برای تأسیس قمارخانه و قماربازی علنج کافی نیست . تعلیم و تربیت کنونی در ایجاد ایمانی استوار نارساست . باید برنامه‌های صحیح برای تنظیم اوقات فراغت و سرگرمی همه طبقات و گروهها تنظیم شود ؛ شوق به حقیقت جوئی و کمال را در جوانان تقویت نمود . انواع باشگاههای ورزشی و کتابخانه‌ها و مراکز هنری تأسیس شود و تسهیلات فراوان برای دستیابی جوانان به اینگونه مراکز فراهم نمود و اسکانات مشارکت فعال آنرا به وجود آورد . رسانه‌های گروهی عواقب شوم و مخاطرات قماربازی را مجسم سازند و تنفر از اینگونه سرگرمیهای نامیمون را برانگیزند . پلیس ، جوانان و لگردد و قماربازان کوچک و بپس کوچکها را ، به جای رفتار خشونت‌آمیز ، به اینگونه مراکز رهبری کنند و با خانواده‌ها در نجات جگر-گوشگان آنان همکاری نماید دادگاههای